

چهل سال

محقق فراموشی رفت. اشغال سفارت آمریکا و گروگان گیری، همراه با موضع گیری های نسنجیده علیه حکومت عراق، زمینه را برای حمله عراق به ایران و شروع جنگ ویرانگر ۸ ساله با آن همه خسارات جانی و مالی فراهم آورد. کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷، ترورهای سیاسی خارج از کشور، قتل های زنجیره ای داخل کشور، به هدر دادن میلیاردها دلار در پروژه های انرژی اتمی بدون در نظر گرفتن و ارزیابی اینکه آیا احتمال موفقیت چنین پروژه هایی با توجه به معادلات قدرت در منطقه و جهان وجود دارد یا نه، سر انجام تن در دادن به مذاکرات برجام پس از برقراری تحریم های بین المللی و پیداشدن شرایط بحرانی در کشور، پس از برجام مرتکب شدن به تحرکاتی مانند پراندن موشک های شاعرانویسی شده که بهانه لازم برای خارج شدن دولت جدید آمریکا از برجام را فراهم نمود، بی کفایتی و نا کار آمدی و سوء مدیریت در حفظ و حراست از محیط زیست و منابع طبیعی که منجر به بی آبی نیمی از کشور و فقدان هوای قابل تنفس در بخشی دیگر از آن گردیده است، فساد های مالی نجومی و حیرت انگیز و سوء استفاده از منابع مالی متعلق به مردم و رانت خواری، عدول از سیاست عدم وابستگی به قدرت های بیگانه، دخالت در منازعات منطقه ای دور از منافع ملی و هزینه کردن از جیب ملت ایران در این مناقشات، بخش هایی از کارنامه هیئت حاکمه در طی این چهل سال رقم میزند. و چقدر جای تاسف است که این سیاه کاری ها، رژیم دیکتاتوری و فاسد و وابسته گذشته را در نظر برخی افراد ساده اندیش توجیه شده و تظہیر گشته مینمایاند. این عملکرد ها امروز موجب کاهش شدید ارزش پول ملی، گرانی و تورم، فقر و بیکاری، فرار مغز ها و فرار سرمایه ها و انواع مفاسد اجتماعی گردیده است. اعتراضات و اعتصابات قشرهای مختلف مردم به شکل یومیه در آمده و در جای جای کشور دیده میشود. ملت ایران امید به زندگی در شرایط قابل قبول که یقینا امکان و استحقاق آن را دارد از دست داده و موجودیت کشور و کیان ملی در خطر قرار گرفته است. به نظر ما چاره این نا بسامانی ها دست برداشتن حاکمیت از خشونت و آشتی جویی با ملت و رعایت آزادی ها و تن دادن به انتخاباتی آزاد و تحت نظارت قابل قبول برای همگان جهت تاسیس یک مجلس ملی واقعی برای تعیین سرنوشت آینده کشور است.

با این پیش زمینه ها احزاب و گروه های سیاسی که سالها مورد سرکوب قرار گرفته بودند و جوامع مدنی از قبیل بانوان، دانشجویان، دانشگاهیان، فرهنگیان، حقوقدانان و وکلای دادگستری، پزشکان، کارمندان دولت، دانشجویان، کارگران، بازاریان و اصناف و به طور کلی اکثریت قاطعی از ملت ایران پای در صحنه انقلاب نهادند و خواهان تغییر و برکناری رژیم سلطنتی و برقراری آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی و نظام جمهوری شدند. شعار مشترک همه ملت ایران اولاً «مرگ بر شاه» یعنی عبور از سلطنت و ثابا استقلال، آزادی و جمهوری بود و اگر هم به دنبال جمهوری، پسوند اسلامی را به گفته روحانیون میکروفون به دست در داخل صفوف انقلاب تکرار میکردند به هیچوجه منظورشان اختلاط دین با حکومت به شکلی که بعدا پیاده شد نبود بلکه واژه اسلامی را تنها به عنوان واژه ای حاکی از عدالت و معنویت و پاکیزگی جمهوری تصور می کردند و نه فرا تر از آن. اما پس از پیروزی انقلاب طبقه روحانیون بر خلاف گفته ها و وعده های قبلی که همه آن ها ثبت و ضبط شده و در دسترس همگان میباشد، به شکلی تدریجی و گام به گام، اهرم های قدرت را در اختیار خود گرفتند و شعار «همه با هم» را به شعار «همه با من» تبدیل نمودند و تمام گروه های سیاسی و جوامع مدنی را یک به یک و به تدریج و هر کدام را با یک انگ و یک نوع ترفند از صحنه بیرون راندند و وعده آزادی و تشکیل مجلس موسسان را به طاق نسیان کوبیدند و مجلس خبرگان و قانون اساسی دلخواه خود را جا انداختند و حکومتی را آغاز کردند که اکنون چهل سال از عمر آن سپری شده است. هیئت حاکمه جمهوری اسلامی با خطا های بزرگ و سوء سیاست ها در زمینه های داخلی و خارجی و سوء مدیریت در کلیه شئون اداره جامعه، کشور را دچار مصائب و تنگناهای گوناگون نموده است. از همان روزهای نخست پیروزی انقلاب به محاکمات چند دقیقه ای و اعدام های ناعادلانه و بدون رعایت مقررات و ضوابط قانونی عوامل رژیم سابق دست زدند که متاسفانه این گونه اقدامات خشونت بار به صورت رویه ای برای برخورد با سایر مخالفان سیاسی و عقیدتی تداوم یافت. رژیم بر آمده از انقلاب آزادی های اولیه ملت ایران که اولین شعار انقلاب بود یکسره به زیر پا نهاد. آزادی احزاب و اجتماعات، آزادی قلم و مطبوعات و آزادی انتخابات با ترفند های مختلف به

چهل سال از انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ گذشت. بالاترید، بدون در نظر گرفتن پیش زمینه های تاریخی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و اشتباهات فاحش رژیم سابق نمیتوان این انقلاب را توجیه و تحلیل کرد. از لحاظ تاریخی انقلاب ملت ایران علیه رژیم صورت گرفت که ۲۵ سال پیش از آن با کودتای سامان یافته توسط قدرت های استعماری و سازمان های اطلاعاتی بیگانه در ۲۸ مرداد ۳۲ و با براندازی دولت ملی و خدوم مصدق بر سرکار آمده بود و به مدت ۲۵ سال با زیر پا نهادن قانون اساسی و نادیده گرفتن حقوق و آزادی های ملت و با سیاست سرکوب همه نیروهای سیاسی و اجتماعی، بر اریکه قدرت تکیه زده و آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی و کرامت انسانی ملت ایران را به سخره گرفته بود. رژیم پیشین به مدت ۲۵ سال همه طرز تفکر ها را در جامعه ایران قلع و قمع کرد و فقط با اسلام گرایان و روحانیون با مماشات و تحمل رفتار نمود حتی در مواردی با تشویق و تقویت ایدئولوژیک به یاری و همسویی با آنها پرداخت که مصادیق قابل ذکر آن بسیارند. از لحاظ سیاسی در آن زمان دوران جنگ سرد بین دو بلوک شرق و غرب و دو ابر قدرت جهانی بر قرار بود و تز قدرت های غربی مبنی بر ایجاد «کمر بند سبز» در اطراف حوزه نفوذ اتحاد جماهیر شوروی، تشکیل حکومتی اسلامی را به عنوان دیوار مقاومتی در برابر نفوذ کمونیسم ضروری نشان میداد. از لحاظ اقتصادی از یک سو از آغاز دهه ۵۰، با پیدا شدن در آمد های هنگفت نفتی و توزیع ناعادلانه آن، شکاف طبقاتی عظیم و ناگهانی رادر ایران به وجود آورد. و از سوی دیگر اصلاحات ارضی ناقص و ناکارآمد شاه کشاورزی ایران را مضمحل و روستاهای کشور را خالی از سکنه و انبوه کشاورزان بیکار را به سمت شهرهای بزرگ سرازیر نمود که در حاشیه شهرهای بزرگ و کوچک در حلبی آبادها متمرکز و لشگرهایی انبوه برای حضور در انقلاب را تشکیل دادند. به لحاظ فرهنگی اکثریت جامعه سنتی ایران ظرفیت و آمادگی پذیرش ناگهانی و بسیار سریع فرهنگ غربی و پیاده کردن نوگرایی و لیبرالیسم و برگزاری مراسمی چون جشن هنر شیراز و نظایر آن را نداشت و نتوانست پارادوکس گرایشات و تظاهرات مذهبی رژیم را از یک طرف و حرکات و تمایلات مدرنیستی آن را از طرف دیگر هضم نماید و دچار یک سرگیجه و برآشفتنی و سردرگمی فرهنگی گردید. به هر روی

تجسمه ملی ایران

تجسمه ملی ایران

اعتراضات صنفی کارگران هفت تپه یکی از بزرگترین و ماندگارترین اعتراضات کارگری ایران است که در تاریخ صنعت، مبارزات کارگری، امر خصوصی‌سازی و پایبندی به تولید ملی و … باقی خواهد ماند و در فضایی مناسب، ابعاد تحقیقی بسیاری به خود خواهد گرفت. برای ارزیابی این اعتراضات باید مدت زمانی صبر کرد تا بتوان به ابعاد آن تا حد ممکن دقیق و علمی پی برد. اما آنچه تاکنون به آن کمتر پرداخته شده‌است، ارزیابی اقتصادی– اجتماعی این اعتراضات و بحران اقتصادی پیش آمده در صنعت نیشکر و اقتصاد شهر صنعتی – کارگری هفت تپه و شهر شوش است. صنعت نیشکر از آغاز پیدایش مانند صنعت نفت ایران مسیری پر تلاطم پیموده است و حتی در مقطعی با دخالت انگلیس‌ها به دلیل اختلال احتمالی در کشف و بهره‌برداری نفت جنوب، کشت سنتی نیشکر به محاق رفته است. پس از نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران، بالاخره چرخ این صنعت در سال ۱۳۴۰ و درقالب شرکت عمران خوزستان که با کار کارشناسی سازمان فائو پشتیبانی شده بود، در زمینی به مساحت ۲۴۰۰ هکتار به بهره‌برداری رسید. بعد از انقلاب با توجه به افت تولید، در سال ۱۳۹۱ پروژه بازسازی و نوسازی تجهیزات مکانیکی این کارخانه با هدف افزایش تولید شکر آغاز شد و کشت نیشکر دوباره احیاء گردید.تولید یک‌صد هزار تنی شکر در هفت تپه طی سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۴، در زمان واگذاری این شرکت در سال ۱۳۹۴ و بهره‌رم نوسازی فنی فرآیند تولید به ۳۵ هزارتن کاهش یافت . کاهش تولید به قیمت پایین شکر در بازار و تعرفه اندک واردات شکر عمدتاً نسبت داده شده‌است.برای جبران این کاهش تولید راه حل خصوصی‌سازی این صنعت در پیش گرفته شد که در عمل پاسخگو نبوده و اعتراضات گسترده اخیر را به همراه آورده است.

یکی از جنبه‌های مهم اعتراضات اخیر کارگری در هفت تپه، حضور خانواده‌های کارگران در اعتراضات و تعطیلی مدارس بود. این نوع اعتراض ، به عمیق‌ترین شکل ممکن، پیامدهای اجتماعی

آزادی و آزادیخواهی نه یک تفکر بلکه مهمترین آرمان برای نیل به آرامش و امنیت و دستیابی به حقوق مادی و معنوی بشر همواره در صدر مطالبات ملت های مختلف بوده است . از سوی دیگر ، مستبدان ودیکتاتورهایی قرار دارند که خود را قیم و مالک و ارباب مردم می پندارند وهمواره در تالاشند تا با ارائه یک تصویر موهوم از دشمن فرضی ، نبرد با سایر مکاتب و ایدئولوژی ها را بعنوان ضرورت اولیه حکومتشان مطرح نمایند و در این راه از ملت ها توقع دارند تا جان و مال خود را در راه این مبارزه فرضی و موهوم اهدانمایند.

در حقیقت تقابل دو نگرش ذیل از منظر سیاسی رایبستگی بعنوان مرز فیمابین آزادی و بردگی ملت ها بشمار آورد :

الف –اصالت به بشر داده میشود :

نگرشی که اصالت را به انسان میدهد و همه از کان مختلف که یک کشور بر آن استوار است ، شامل اقتصاد ، قشون و قدرت نظامی ، ایدئولوژی های مختلف ، فرهنگو هنر ، علوم مختلف ، سیاست و … ، همگی در خدمت رفاه و آسایش بشر میباشد و تنها وقتی مورد پذیرش هستند که بتوانند زمینه رفاه ، پیشرفت ، رشد ، آرامش و آسایش ، امنیت جانی و روانی و اقتصادی را تامین و محافظت در این گفتمان ، مبنای همه اقدامات انجام شده از سوی هر سازمان وهر نهاد و هر شخصی حقیقی و حقوقی به هر نحو و به هر شکل که باشد ، تا مادامی که ناقض حقوق بشر نباشد و در راستای تامین حقوق

نشریه داخلی – تهران – ۲۳ بهمن ماه ۱۳۹۷
خورشیدی – شماره ۱۹۵ – صفحه ۲

در مجتمع کشت و صنعت هفت تپه چه می گذرد؟

آسیب‌های اجتماعی در این شهر افزایش یابد و متأسفانه بخش مهمی از اعضای فعال جامعه، درگیر تنگ‌های اجتماعی شوند که خود در ایجاد آن نقش نداشته‌اند.

جنبه ملی ایران بر این باور است که مسئول اصلی این رویدادها «حاکمیت» است.حاکمیت و سیاست اقتصادی هیأت حاکمه ضمن کنار نهادن یک اقتصاد مبتنی بر تولید ملی، سرمایه ملی و نیروی انسانی، به یک نوع اقتصاد مصرف‌گرا روی آورده است. اصول انقلاب ایران که برآمده از نهضت مشروطه و نهضت ملی ایران همانا آزادی و استقلال ملی بود، اکنون تحت شعاع قرار گرفته است. از سویی دست‌گاه با چونین رویدادهایی بجای تحلیل و چگونگی حل مسائل، نگاه امنیتی به رویدادها از جمله اعتراضات صنفی کارگران هفت تپه دارد. خود نگاه امنیتی بجای حل مسائل، مسئله‌ساز و خشونت‌زا است. حاکمیت ضمن نگاه امنیتی به ترتیبی که مشاهده می‌کنیم دستگاه نظامی و انتظامی را برای سرکوب آن تحریص کرده است.سرکوب و دستگیری این کارکنان زحمتکش، یک سوی ماجرا است، از همه بدتر استفاده از روش‌های اعتراف‌گیری داستان دلخراش و نخ‌نمای دیگری است که هم ماهیت دستگاه سرکوب را بیان کرد و هم به خوبی مشاهده کردیم که پیامدی وارونه و توأم با خشم در جامعه ایجاد کرده است. شعار «توب، تانک، مستند دیگر اثر ندارد» شعاری بود که از فردای آن روز در چندین گروهمایی اعتراضی بیان شد. پخش اشتراقات، نشان داد که برخلاف نظر اضلاع حاکمیت، دستگاه شکنجه در بیرحمانه‌ترین شکل آن وجود دارد. ضمن این‌که این روش طرحی سوخته است، روشی ضد بشری و موجب تشدید خشونت در جامعه شده و می‌شود.

جنبه ملی ایران اعتقاد دارد که دستگاه حاکمیت بجای رویکرد آشتی‌جویانه با ملت، دامنه خشونت را آن هم در حیاتی‌ترین محدوده بشری، گسترده کرده است. خشونت عملی یک سویه نیست، بلکه آتشی است شعله‌ور که شوربختانه موجودیت ایران‌زمین را به خطر انداخته است.

سکوت خبری سیمای میلی هیچ ربطی به ملت آزادیخواه ایران ندارد

بشر باشد، محترم شمرده میشوند.

ب –اصالت به بشر داده نمیشود :

در طول تاریخ بشر ، گفتمان ها و مکاتب مختلفی ظهور و بروز کرده اند که از انسان توقع داشته اند تا جان و مال خود را در راه آرمانهای

مکتب و یا گفتمان مطرحه فدا نمایند و هر کسی که از این راه عنول نمود و یا مخالفت داشت ، بعنوان خائن و جاسوس وووو مورد محاکمه ومجازات قرار میگردد.

در حقیقت ، این قبیل گفتمان ها اصالت را به مکاتب و ایدئولوژی ها و سایر نظریه های مشابه میدهند و بر این باورند که بشر بایستی در راه آرمانها و اهداف مورد نظر هیات حاکمه از جان و مال خود بگذرد. در قرون نوزدهم ، بیستم و بیست و یکم ، این قبیل گفتمانهای غیر بشری که برای جان انسانها وحقوق بشر ارزشی قائل نیستند ، همچون مارکسیسم ، فاشیسم ، نازیسم مرتکب بزرگترین فجایع و جنایات در حق بشریت شدند و البته از دهها قرن پیش تا کنون ، گفتمان ایدئولوژیک نیز در عمل اثبات نمود که برای توسعه باورهایش از تشدید جنگها و کشتار بشر و ویرانی سرزمین ها هیچ ابایی ندارد .

جنگهای صلیبی ، جنگهای جهانی اول دوم و ماجرای هولوکاست ، جنگ های مختلف در عصر حاضر که در جوامع اسلامی به وقوع پیوست ، همگی توسط داعیه داران همین قبیل مکاتب و گفتمانهایی اتفاق افتاد که برای بشر اصالت قائل نبودند و همواره کمترین حقوق را برای بشر قائل بودند .

نکته حائز اهمیت این است که اغلب این حکومت هایی که اصالت

تجسمه ملی ایران

نشریه داخلی – تهران – ۲۳ بهمن ماه ۱۳۹۷ خورشیدی – شماره ۱۹۵ – صفحه ۳

هر سال در پسین روز دهم بهمن جشن سده برپا می‌شود و احترام ایرانیان باستان رایه آتش این عنصر حیاتی بنشان مید هد / پیام جنبه ملی ایران به چگونگی این سنت دیرین وطنمان می پردازد و امیدوار است در هر زمان مقتضی بمناسبت های پیش آمده در نکو داشت مراسم ملی بسهم خود ایفای نقش نماید.

تاریخ پر فراز و نشیب کشور ما پیوسته شاهد مبارزاتی پیگیر برای دفاع سرسختانه ازاصالت ملی در همه‌ی زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و… بوده و در این راه پدران ما به‌طور دائم با اشغال نظامی، فرهنگی، عقیدتی و … مبارزه کردند و موجودیت خود را که با هویت، آئین، زبان، سنت‌ها و فرهنگ خاص آنان درآمیخته بود به شدت پاس می‌داشتند

دولت مستقل رستمیه به‌دست «عبدالرحمان رستم» رهبر نظامی و مذهبی خراسانی و بعد آن «یعقوب لیث صفاری» و سپس «ابومسلم خراسانی» و

آنگاه ارتش ایرانی دیلمی و …

در قلمرو فرهنگی بالخصوص روبرایویی آریایی با فرهنگ مهاجم سامی، مبارزه حتی از روبرایویی های سیاسی برای حفظ ارزش‌های ملی شدیدتر و پیگیرتر بود و تبار ایرانی، گذشته‌ی را به فراموشی نسپرد و آن را در تمام جلوه‌های: ادب، هنر، شعر، موسیقی، فولکلور، رسوم روزمره خویش و بالاخره حفظ سنت‌ها و از آن جمله جشن‌های نوروز، مهرگان، سده همواره زنده نگاه داشته‌است.

به روال آیین باستان در پسین روز دهم بهمن هر ساله در نقاطی از ایران جشن سده باشکوه تمام برگزار می‌شود و زرتشتیان و ایرانیانی که تابع سنن و آداب خود نمادانند در این شادی حضور فعال دارند.

به‌عنوان نمونه:

نشست لهستان و تداوم گوادلوپ های قبلی

ایران دانست که با آلترناتیو سازی از شخصیت مستبدی همچون رضاخان پهلوی ، نه تنها قیام آزادیخواهانه مشروطه بطور کل از ملار خود خارج گردید و به یک استبداد جدید جایگزین شد ، بلکه با ایجاد فضای خفقان سیاسی واعدام آزادیخواهان و سران جنبش مشروطه خواهی ، صدای ملت ایران را در گلو خفه نمودند که یقیناً «میوان این اقدام را با نام مستعار گوادلوپ یک» خطاب نمود تا بتوان به سبقه اقداماتی همچون کنفرانس گوادلوپ در دیمه سال هزار و سیصد و پنجاه و هفت پی برد .

بعد از سقوط پهلوی اول و با شروع بکار محمدرضا شاه پهلوی ، بتدریج مبارزات آزادیخواانه ملت ایران تحت رهبری دکتر محمد مصدق شکل جدیدی بخود گرفت و تا اخراج خاندان سلطنت از ایران تداوم یافت ، لیکن برای بار دوم با مداخله همین قدرتهای استعمارگر که در ایران فقط به جستجوی منافع خویش هستند ، سرنوشت این سلسله از مبارزات آزادیخواهانه ملت ایران بواسطه کودتای ضد ملی و ضد میهنی بیست و هشتم مرداد ۳۳ نیز به سر کوب و اعدام و حبس و حصر آزادیخواهان و استقرار مجدد سلطنت انجیمایت تا یکبار دیگر استعمارگران رای و نظر ملت ایران را در محاق قرار داده باشند . یقیناً «میوان این اقدام را با همان نام

سومین اقدام برای نابودی مبارزات آزادیخواهانه و استقلال طلبانه ملت ایران که به « کنفرانس گوادلوپ» مشهور است ، همان کنفرانسی است

که در دیمه‌ سال پنجاه و هفت در این جزیره تشکیل گردید و برای بار سوم در تاریخ معاصر ، مبارزات ملت ایران را با آلترناتیو سازی از اهداف وطن خواهانه و متعالی خود متحرف نمودند و یکبار دیگر برای آینده ایران تعیین تکلیف نمودند.

در خلال این چهارده ریزه مجدد« شاهد بودیم که در تداوم نتایج اخذ تصمیم از سوی قدرتهای جهانی برای کشورمان باعث گردید تا سران و رهبران آزادیخواه ایرانی ، منتقدان ، معترضان جوان ، و اهالی مطبوعات به سرنوشت سلف آزادیخواه خود گرفتار بیابند و فرجامشان زنان و حصر و اعدام گردید تا برای سومین بار مبارزات آزادیخواهانه ملت ایران به فرجام دفعات قبل نائل شده باشد. در واقع کنفرانس گوادلوپ را بایستی با نام ترتیبی «گوادلوپ سوم» خطاب نمود تا نسل های آتی با مطالعه پیرامون سلسله مداخلات خارجی در تعیین سرنوشت حاکمیت در ایران بدانند چرا و چگونه مبارزات آزادیخواهانه ایرانیان در این یکصدسال منتج به دموکراسی واقعی نگردید و همواره یک دیکتاتور جدید جایگزین دیکتاتور قبلی شده و همچنان آزادیخواهان در حبس و حصر و اعدام گرفتار می شده اند.

نشریه داخلی – تهران – ۲۳ بهمن ماه ۱۳۹۷
خورشیدی – شماره ۱۹۵ – صفحه ۳

جشن آتش

در کرمان از چند روز قبل مردم در باغی به نام بناغ آباد که در نزدیکی شهر قرار دارد جمع شده و در اتاق‌های آن سکنی می‌گزینند تا برای چند روزی زندگی مشارکتی را به رسم اجداد خود تجربه کنند و در روز دهم بهمن همزمان با غروب خورشید موبدان در لباس مخصوص و سرتاپا سفید و مشعل به‌دست در حالی که نوای دف و دایره که به وسیله‌ی دختران نواخته می‌شود و آنان را همراهی میکند، برای روشن کردن آتش حرکت می‌کنند و پس از برافروختن کوهی از خار‌های روشن شده دور این آتش انبوه جمع و خدولاند صاحب آتش را نیایش کرده و هر کس در دل خود آرزویی برای بهزیستی مردم و جامعه و رفع شر و دروغ و بدی می‌کند و آتش با اسپند و کندری که به آرزو رسیده‌ها در آن می‌ریزند ،همه جا را خوشبو می‌کنند و از فردای آن روز مردمان برای استقبال از نوروز آماده می‌شوند.

یززد این جشن در یک محوطه‌ی بلون درخت برگزار می‌شود و با توجه به اینکه در گذشته وسایل ارتباط جمعی نبود، مردم به روال قدیم فرصت دیدار یکدیگر را در این روز همراه با سنت آتش افروزی و دعا و نیایش غنیمت می‌شمرند که از لحاظ اجتماعی بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

در اصفهان در دو جانب زاینده‌رود که از پشته‌های هیزم وخوار بهر شده نوازندگان گرد می آیند و همه‌ی شهر ، گنبدها و مناره‌ها با شمع و مشعل آراسته می‌شود و به پای پرندگان گردهای تو خالی پر شده به‌نفت و قیر که مشتعل شده‌سند آنان راه‌امی کنند.می‌گویند که سلاطین وقت این گونه مراسم را کافی نمانسته و با شکوهتر از آنچه که به خلاصه گفتمیم انتظار

داشتند به طوری که در کتاب تاریخ بیهقی شرح جشنی رفته است که در آن آتش چندان بزرگ بود که فروغ آن از ده فرسنگی از هر سو دیده می‌شد

فردوسی در این باره می‌گوید: بهشتم بیاید ز آتشکده

حالیه نیز با عنایت به تجربه مداخله ابرقدرتها برای سرکوبی جنبش های آزادیخواهی مبارزان ایرانی در خلال قرن حاضر ، به نظر می‌رسد که نشست لهستان را باید « گوادلوپی دیگر » برای انتخاب یک آلترناتیوی که بتواند مبارزات آزادیخواهانه ملت ایران را به نابودی بکشدان تحلیل نمود و شاید از همین روی است که مجددا« عده ای همچون عقاب رژیم سلطنتی خود را بعنوان گزینّه مطلوب غرب برای جایگزینی ابراز می نمایند تا اینبار نیز مبارزات آزادیخواهانه را ممتنی به همان فرجام قبل بنمایند

بی شک جنبه ملی ایران با وجود مخالفت با استیلاّی حاکمیت غیر ملی و وامانده در اداره کشور وعوطله ور درفساد افسار گسیخته ، هرگونه اقلدلی که برای مداخله در تعیین سرنوشت ایران و ایرانیان از سوی قدرتهای جهانی و بطور کل سایر کشورها انجام شود ، شدیدا« مخالف است و بر این باور عمیقاً»راسخ میباشد که وقت آن رسیده‌است تا ملت ایران خودش اقدام به تعیین سرنوشتش بنماید فلذا تا نیل به آزادی و دموکراسی واقعی به مبارزات ملی گرایانه اش ادامه خواهد داد .

همچنین جنبه ملی ایران ، اقدامات جمهوری اسلامی از باب مداخله

در سایر کشورها و بذل سرمایه های ملی ایرانیان در جهت توسعه افکار

ایدئولوژیک و تداوم منازعات مذهبی در منطقه را محکوم می نماید

و نتیجه این اقدام را افزایش آمار فقر و بیکاری ، افزایش آمار طلاق

، افزایش آمار بزهکاری های گوناگون ، افزایش فساد سیستماتیک در

بدنه حاکمیت ، افزایش بحران معیشتی و زیست محیطی ، و افزایش

دیگر اقسام نابسامانی ها در زندگی ملت ایران میداند. از دیدگاه جنبه

ملی ایران ، این قبیل اقدامات فرامزوی جمهوری اسلامی مستمسک و

دستاویزی برای قدرتهای جهانی و منطقه ای بشمار می‌رود که آنها را در

مسیر ایجاد جنگ روانی ، تحدید ، تهدید ، تحمیر و اعمال اقسام فشارها

خاصه فشار اقتصادی بمنظور مهار رفتارهای بین المللی جمهوری اسلامی

قرار می دهد، لیکن در کمال تاسف باید طرقرین این کشمکش منطقه‌ای

بدانند که تمام بار روانی ، اقتصادی و اجتماعی این تقابل بر ملت مظلوم

ایران بار میشود.

امید آنست که ملت ایران در عین هوشیاری و بیداری ، اجازه ندهد تا برای

بار چهارم مبارزات آزادیخواهانه اش را در این قبیل نشست ها و کنفرانس

ها و با آلترناتیو سازهایی جهت دار به استقرار یک دیکتاتوری مجدد ختم

نمایند و یکبار دیگر آزادیخواهان را در حبس ، حصر و جوخه های مرگ

ببینند و این مهم تنها در گروی اعتقاد عملی به آزادی و دموکراسی و عبور

از هر شکل و هرنوع ازدیکتاتوری و جامعه تک صدایی محقق میگردد.

بیرون ز شماره از جوانان رشید
بر گردن کیست خون این عده اگر

گشتند در انقلاب ما جمله شهید
بدتر ز قدیم باشد اوضاع جدید

ادیب برومند

جبهه ملی ایران خواهان جدایی دین و باورهای دینی از اقتصاد است

ارتشاه که ظاهر برای حمایت از تولیدکننده داخلیست ولی بعنوان یک رانت مهم در اختیار اشخاص رانتخوار قرار میگیرد و سبب بر خورداری از مزایای ارزی ارتشاه و فساد اداری میگردد از این جهت نیز وجود اقتصاد مذهبی بصورت ناخودآگاه باعث میشود تا اقتصاد کشور بسوی منجلابی از فساد و ناکارآمدی سوق پیدا کند، و برای برون رفت از این منجلابی اقتصادی باید اقتصاد را در مکاتب اقتصادی جستجو نمود و نه در مکاتب ایدئولوژیک.

د- در کنار عوامل فوق، نرخ سود بانکی را باید بعنوان یکی از غیر اسلامی ترین نمادهای جاری و رایج در اقتصاد اسلامی چهل ساله حاکم بر ایران ذکر نمود. مامانی که نرخ سود بانکی از نرخ سود تولید به مراتب بیشتر باشد، سرمایه های خرد و حتی کلان بجای جهت یافتن در بخش اقتصاد مولد که فاقد امنیت سرمایه گذاری نیز می باشد، بسوی نظام بانکی سوق می یابند و بعلت نرخ بهره بسیار بالای نظام بانکی، بخش مولد در اقتصاد نمیتواند از این منابع مالی برخوردار شود فلذا بانک ها برای تامین سود پرداختی، تمایل بیشتری دارند تا منابع مالی خود را به بخش خدمات و دولتی و سفته بازی هدایت نمایند و حضور این منابع کلان مالی در بخش غیر مولد که عموماً به دولتی و سفته بازی مشغولند، باعث میگردد تا ثبات لازم در بازار کالا و خدمات بوجود نیاید و با هجوم این سرمایه ها در بخش های مختلفی شاهد ایجاد بحران در اجزاء مختلف بازار میشویم و در واقع نرخ بهره بانکی در اقتصاد اسلامی که در حال اجراست، باعث نابودی اشتغال مولد، بیکاری و فقر، ناپایداری و عدم ثبات در نرخ تورم و رکود، و بسیاری اشکالات دیگر میگردد. شایان ذکر است که از منظر دین اسلام، وام بصورت قرض الحسنه توصیه شده است، لیکن نظام بانکی ایران در اقتصاد اسلامی از همین سپرده های قرض الحسنه نیز در جهت مورد نظر اسلام استفاده نمی نماید. موارد فوق الذکر را نمیتوان بعنوان همه ایرادات و اشکالات اقتصاد اسلامی دانست و یقیناً ایرادات این نظریه اقتصادی به مراتب فراتر از آنست که در یک یادداشت ذکر شوند، لیکن موارد فوق صرفاً بعنوان نمادها و نمودهایی از ناکارآمدی اقتصاد اسلامی ذکر گردید.

جبهه ملی ایران ضمن باور عمیق به ناکارآمدی اقتصادی که اسلامی نامیده شده و باورمندی به لزوم جدایی دین از اقتصاد، در حال تدوین نظریه اقتصادی کارآمدیست که با موقعیت جغرافیایی، زمان و شرایط امروز جهان، منابع مادی و انسانی و ذخائر غنی، و روابط مناسب بین المللی، مشارکت فعالانه در تجارت بین الملل و توجه به شاخص های اقتصاد بین الملل و سایر فاکتورها و مولفه های موثر در دانش اقتصاد انطباق داشته باشد و بتواند امنیت اقتصادی و رفاه ملی را برای ملت لایق و شرافتمند و زجر کشیده ایران تامین نماید. همچنین جبهه ملی ایران عمیقاً معتقد است که چنانچه مذهبیبون به ترویج اخلاق و دیگر منویات مذهبی که در حوزه تخصص ایشان است بپردازند و اصرار بر دخالت در سایر حوزه های علمی نمایند، کمک شایانی به حوزه های مختلف اداره کشور همچون سیاست و اقتصاد و هنر و فرهنگ و غیره خواهند نمود.

در واقع باید پذیرفت که مبنای نگرش های ارزشی و آیینی، مکتب مذهبی است و دانش اقتصاد بعنوان یک شاخه مستقل و زیربنایی در اداره جامعه که متأثر است از متغیرهای بین المللی و به تنظیم مناسبات مولفه های موجود در مناسبات تولید و عرضه و مصرف و رفاه و غیره، نمیتواند متناسب به یک مکتب مذهبی باشد و بدون تردید خود نیازمند یک مکتب مستقل در حوزه عملکرد مربوطه اش می باشد که این مکاتب اقتصادی دارای اشکال و مبانی خاص خود هستند فلذا باید پذیرفت که اقتصاد فاقد جنبه های مذهبی و امثالهم میباشد. با توضیحات فوق تردیدی وجود ندارد که بایستی جدایی دین از اقتصاد را مفیدترین نظریه در جهت منافع ملی ایرانیان دانست.

ب- در تعریفی که در ابتدای این نوشتار در خصوص اقتصاد اسلامی ارائه گردید، دیدیم که در این نظریه اقتصاد اسلامی، هم اقتصاد حکومتی (دولتی) وجود دارد و هم اقتصاد خصوصی (سرمایه داری) که بدون شک تقابل دو نظریه معروف سوسیالیسم اقتصادی و لیبرالیسم اقتصادی در بطن و متن اقتصاد اسلامی را باید یکی دیگر از دلایل ناکارآمدی این نظریه اقتصاد اسلامی بشمار آورد.

در نظریه اقتصاد اسلامی که هر دو تفکر اقتصادی مشهور یعنی سوسیالیسم اقتصادی و لیبرالیسم اقتصادی در کنار یکدیگر وجود دارند، ناخودآگاه رقابت و برخورد و تقابل فیما بین بخش دولتی و بخش خصوصی در اقتصاد، اجتناب ناپذیر میشود و از آنجاییکه حکومت اسلامی اهداف ایدئولوژیک خود را دارد و از ابزار قدرت حداکثری برخوردار است، در این تقابل، بخش خصوصی همواره بایستی شکست را بپذیرد و از میدان رقابت حذف شود و یا اینکه هرگاه رشد بنگاه خصوصی با اهداف ایدئولوژیک حاکمیت در تضاد باشد، ناخودآگاه تضاد بنگاه خصوصی مذکور به تضاد با مبانی ایدئولوژیک تلقی میشود و با صدور احکام سنگین از مصادره اموال تا اعدام و حبس و غیره مواجه میشود که این تقابل و این تسلط مذهب بر اقتصاد حکومتی، موجب خواهد شد تا امنیت اقتصادی که لازمه رشد و پویایی و بالندگی اقتصاد است بطور جدی در معرض مخاطره قرار بگیرد از دیگر سو نمیتوان تاثیر ساختار ایدئولوژیک حکومت بر روابط بین المللی کشور را انکار نمود و مواردی همچون صدور انقلاب و حمایت از برخی جریانات ایدئولوژیک در منطقه و جهان همواره سایه جنگ، تحریم و بحران را بر سر اقتصاد کشور حفظ می نماید و این نیز بطور غیرقابل انکاری در ایجاد عدم امنیت اقتصادی موثر می باشد و همواره تجارت بین المللی و اقتصاد بین المللی کشورمان ایران از ناحیه حاکمیت ایدئولوژی بر اقتصاد ضربه های مهلکی دریافت نموده است. بنا براین با توجه به موارد فوق هرگز نمیتوان در سایه تفکرات اقتصاد اسلامی، امنیت سرمایه گذاری که لازمه رشد و توسعه اقتصاد است را فراهم نمود و برای پیشرفت اقتصادی کشور یقیناً باید رای به جدایی اقتصاد از دین داد.

ج- وقتی با وضع موصوف فوق مواجه شدیم، ناگهان خود را در یک اقتصاد جزیره ای خواهیم دید که حاصل همان تاثیر مذهبی بودن اقتصاد است. در این حالت است که درب های کشور بسته میشوند تا همچون نگرش کمونیسم اقتصادی، در همه زمینه ها به خودکفایی برسیم که این باعث میشود تا منابع و ظرفیت های موجود کشور برای مواردی مصرف شوند که کشورمان قابلیت تولید آن را ندارد همچون برخی اقلام کشاورزی و از تمرکز بصورت تخصصی بر روی تولید یک محصول فاصله بگیریم. با این رفتار است که بعد از چهل سال شاهد انهدام منابع آب و برخی منابع دیگر هستیم و در تولید هیچ محصولی بصورت تخصصی حضور و وجود نداریم و حتی در تولید محصولاتی که از دیرباز در تخصص کشورمان بوده است همچون فرش و کفش و منسوجات، متأسفانه نه تنها متوقف شده ایم بلکه این صنایع تخصصی را نیز قربانی اقتصاد مقاومتی و خودکفایی در همه زمینه ها نموده ایم. در این اقتصاد جزیره ای است که حکومت تمام درها را می بندد تا از محصول داخلی حمایت نماید تا به خودکفایی برسد برای افزایش توان اقتصاد مقاومتی که بخش لاینفک اقتصاد ایدئولوژیک است. همین مقوله بستن درها برای کشور خود باعث ایجاد انواع فساد اقتصادی از جمله ایجاد رانت برای ورود کالا، قاچاق کالا، رانت و افزایش دامنه رشاه و

چهار دهه از اجرایی نمودن نظریه اقتصاد اسلامی می گذرد ولی بر خلاف باغ بهشتی که در سایه این نظام اقتصادی به مردم داده شده بود و بعد از چهل سال که تمام منابع و امکانات اقتصادی و منطقه ای و بین المللی کشور غنی ایران در اختیار اقتصاد دانان حوزه اقتصاد اسلامی بود، حالا با اندک نگاهی به وضعیت معیشت مردم و وضعیت تولید داخلی، مصرف داخلی، اعتماد داخلی و خارجی به اقتصاد اسلامی، ارزش پول ملی، و همه ابعاد گوناگون یک نظام اقتصادی، بدون استثنا همه شاخص ها در وضعیت بحرانی و نامناسب و حتی منهدم شده به چشم می آیند.

برای دانستن علت فروپاشی اقتصادی در نظام اقتصادی که اسلامی نامیده شده شایسته است ابتدا تعریف ارائه شده از سوی مدعیان اقتصاد اسلامی را مرور کنیم و سپس بصورت بسیار گزرا و اجمالی به ایرادات مشهود این نظام اقتصادی که نام اسلامی را نیز با خود همراه کرده بیانند.

تعریف اقتصاد اسلامی از دیدگاه مدعیان این تفکر:

«بر اساس گفته آقای دکتر علی اسدی استادیار دانشگاه جامع امام حسین، مکتب اقتصادی اسلام، شامل فلسفه اقتصادی، اخلاق اقتصادی، سیاست اقتصادی، فقه اقتصادی، فرهنگ اقتصادی و... در نظام اقتصادی اسلام است. هر کدام از این عناصر در جای خود و همه آنها به عنوان یک مجموعه مکتب اقتصادی را تشکیل می دهند موضوعاتی مانند حلال و حرام که از فقه اقتصادی است و یا سیاست های اقتصادی (حتی گاهی سیاست های مثل سیاست های پولی و مالی) منبعث و برگرفته از مکتب اقتصادی اسلام هستند. بنا بر این نهاد های تأثیر گذار بر پدیده های اقتصادی در یک جامعه دو دسته اند. دسته اول، نهاد های منبعث و برخاسته از ساختار حاکمیت در نظام اقتصادی (نهاد های رسمی) و دسته دوم نهاد های شکل گرفته در جامعه بر اساس آداب و رسوم و فرهنگ و... (نهاد های غیر رسمی) هستند البته نهاد ها از هر نوع و شکل آن تحت تأثیر مکتب حاکم بر جامعه خواهند بود و نهاد های مقبول و مطلوب در نظام اسلامی نهادهایی خواهند بود که حداقل با اصول و ارزش های مکتبی مغایرت نداشته باشند. ولو اینکه به عنوان واقعیت در جامعه وجود داشته باشند»

در توضیحات فوق، عناصری مانند فلسفه اقتصادی، اخلاق اقتصادی، فقه اقتصادی و حلال و حرام و سیاست های اقتصادی شامل سیاست های پولی ملی، از اساسی ترین اجزاء اسلامی کننده اقتصاد در ایران عنوان شده اند و همچنین در ادامه به دارا بودن دو رکن اساسی شامل نهاد های رسمی که برخاسته از ساختار حاکمیت در نظام اقتصادی و نهاد های غیر رسمی که برگرفته از آداب و رسوم و فرهنگ و جامعه هستند. در ادامه نظریه اقتصاد اسلامی، قوه قضاییه را که بر اساس اصول شرع و قانون منبعث از تفکرات اسلامی شکل گرفته است را بعنوان مکانیزم نظارتی بر اجرای صحیح اقتصاد اسلامی معرفی نموده است.

اما با اندک توجهی به وضعیت کنونی همه ابعاد اقتصاد کشورمان به وضوح ناکارآمدی این نظریه را مشاهده می نماییم که در ادامه علل ناکارآمدی اقتصاد دینی را مورد توجه قرار خواهیم داد.

علل ناکارآمدی اقتصادی که اسلامی خوانده شده:

الف - دانش اقتصاد همچون دیگر علوم در زمان ایستا و متوقف نیست و در گذر زمان و مبتنی بر تجربه عملی و تحلیل علمی با نوعی پویایی و پیوستگی همراه میشود که در هر مقطع زمانی این دانش متناسب با آن زمان و آن مکان دارای متغیرهایی متفاوت با زمان و مکان های دیگر بوده است.

اقتصاد که یک تخصص مستقل و حتی زیر بنایست، و به وضوح میتوان گفت مبنای امنیت اجتماعی، رفاه و آسایش بشریست، نمیتواند زیر مجموعه یک دین یا مذهب قرار بگیرد و چنانچه علم اقتصاد را متناسب به یک دین و یا مذهب بشود، بی شک ضعف ها و کاستی ها و آثار منفی متقابل اقتصاد و مذهب بر یکدیگر، موجب میشود تا آن مکتب اقتصاد مذهبی مبنای قضاوت ارزشی دین و مذهب مورد انتساب قرار بگیرد و از این جهت بزرگترین اجحاف در حق آن مذهب مورد استناد در مکتب اقتصاد مذهبی میگردد.



نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با یاد

دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا

<http://jebhemeliiran.org>

E-mail: info@jebhemeliiran.org